

خوانساری نامه

الوند بهاری

و «ملاحظاتى در باب کلیله و دمنه» عنوان برخی مقالات این مجموعه است. مقالاتى در شرح احوال فاضل تونى، جلال الدین همائى، بدرالدین کتابى و یحیی مهدوى، و نقدهایی بر چند کتاب نیز در این مجموعه گردآمده است.

گردآورنده در پایان مقدمه خود آرزو کرده است خوانندگان «با تذکر خطاها و نارسایی‌های پیش‌آمده و نیز یادآوری عنوان و محل انتشار مقالاتى که نگارنده از آنها بی‌خبر مانده است، در رفع نقایص و تکمیل هرچه بیشتر این مجموعه برای چاپ‌های بعدی» سهمیم باشند. در اجابت خواسته ایشان نکاتی چند شایان ذکر است:

از مطالب این کتاب هفتصد صفحه‌ای تنها ۹ صفحه (صص ۹-۱۷) است که قبلاً چاپ نشده و آن مقدمه گردآورنده است که خالی از سهو نیست. در صفحه ۱۲ (سطر چهاردهم) عنوان دو کتاب مشهور دکتر خوانساری، که در ابتدای این نوشته به آنها اشاره شد، غلط ذکر شده است. در همین صفحه بیت عربی مشهوری نیز نقل شده که «نا» در پایان مصراع دوم آن اضافی است. در صفحه هفدهم (پی‌نوشت‌های مقدمه)، در پی‌نوشت ۵، نوشته‌اند «نشان درجه اول دانش» «به مناسبت ترجمه عالم‌المانه» ایساغوجی به استاد اعطا شده است. بعید است که این نشان بابت یک کتاب به ایشان تعلق گرفته باشد؛ زیرا معمولاً آن را برای قدردانی از یک عمر فعالیت پژوهشی به دانشمندان اعطا می‌کنند. در پی‌نوشت ۶، تاریخ تشییع و تدفین پیکر ایشان را پانزدهم اسفند ۱۳۸۸ نوشته‌اند که تاریخ صحیح، صبح یکشنبه شانزدهم اسفند است. در میان عکس‌ها نیز، در صفحه ۶۷، عکسی از ایشان در همایش «تمایزهای منطق قدیم و جدید» آمده است. این همایش روز یازدهم آذر ۱۳۸۷ در دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی دانشگاه علامه طباطبائی برگزار شده است، نه (چنان‌که نوشته‌اند) در سال ۱۳۸۲.

اما اشکالات بزرگ‌تری هم در گردآوری و چاپ مقالات رخ داده است. آنچه استفاده از مقالات را بر خوانندگان بسیار دشوار

خوانساری نامه (شرح احوال، آثار و مجموعه مقالات استاد فقید دکتر محمد خوانساری)، به کوشش دکتر احمد کتابی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۰، ۷۰۱ صفحه (مصور) - ۱۵۰۰۰ تومان.

دکتر محمد خوانساری (۱۳۰۰-۱۳۸۸ ه.ش) از استادانی بود که حجم نوشته‌هایشان (از کتاب و مقاله) کمتر از آن است که از ایشان انتظار می‌رود. مشهورترین آثار او، منطق صوری و صرف و نحو و اصول تجزیه و ترکیب، سال‌هاست مرتب تجدید چاپ می‌شود و همین دو کتاب کافی است تا یاد و نام او جاودان بماند. یک سال و نیم پس از درگذشت خوانساری، مجموعه‌ای از مقالات او، به همت احمد کتابی، در کتاب خوانساری نامه فراهم آمده است. در آغاز کتاب، پس از مقدمه کوتاه گردآورنده، «زندگی‌نامه خودنوشت» استاد نقل شده که پیش از این هم در دو مجموعه که برای قدردانی از ایشان، در زمان حیاتشان، فراهم آمده بود، چاپ شده است.^۱ سپس تصویر برخی مدارک تحصیلی و بعضی از جوایز ایشان و پس از آن، عکس‌هایی از دوره‌های مختلف زندگانی استاد به چاپ رسیده که بر جذابیت کتاب افزوده است.

عمده مطالب کتاب، متن ۳۵ مقاله دکتر خوانساری و ۳ مصاحبه با ایشان است. مقاله‌ها در ۶ بخش «مقالات فلسفی و منطقی» (۱۱ مقاله)، «مقالات عرفانی» (۵ مقاله)، «مقالات روانشناسی» (۶ مقاله)، «مقالات ادبی» (۳ مقاله)، «تراجم احوال و یادنامه‌ها» (۴ مقاله) و «نقد کتاب و مقاله» (۶ مقاله) تنظیم و چاپ شده است.

«نظر امام محمد غزالی درباره منطق»، «ادب نفس در آثار ابن سینا»، «تقسیم‌بندی الفاظ در منطق»، «مقولات ارسطویی»، «مقدمه ایساغوجی»، «انسان‌شناسی مولانا در مثنوی»، «رابعه، سوخته عشق و درد»، «بی‌آغاز و بی‌انجام بودن مثنوی»، «ظهور روانشناسی آزمایشگاهی»، «زیگموند فروید، پیشوای روانکاوی»، «یونگ، روانشناس نامدار سوئیسی»، «روانشناسی ابوسعید ابوالخیر»، «چند نکته درباره چهارمقاله نظامی عروضی»

۱. الف) زندگینامه و خدمات علمی و فرهنگی استاد فرزانه و منطق‌شناس یگانه دکتر محمد خوانساری (انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۳)

ب) جشن‌نامه استاد دکتر محمد خوانساری (فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۸۴)



کرده، روش گردآورنده در نقل پانوشته‌های مقالات است که آنها را نه در حاشیه صفحه و نه حتی در پایان هر مقاله که در پایان هر فصل آورده است. عجیب‌تر آن که حتی یادداشت‌های گردآورنده (عمدتاً در ذکر محل چاپ مقالات) هم میان همین پی‌نوشت‌ها آمده که به هیچ وجه متداول و پسندیده نیست. به این ترتیب خواننده برای آگاهی از محل نخستین چاپ مقاله «نظر امام محمد غزالی درباره منطق» (ص ۸۱) باید دقیقاً ۲۰۰ صفحه ورق بزند تا به پی‌نوشت (ص ۲۸۱) برسد. از معایب این روش، علاوه بر خلط یادداشت‌های استاد و احیاناً توضیحات گردآورنده، و دشوار ساختن کار بر خوانندگان و اتلاف وقت آنان، بالا رفتن امکان خطا در شماره‌گذاری و نقل یادداشت‌هاست. دیگر آن که، در تقسیم‌بندی مقالات، سه مقاله درباره مولانا و مثنوی را در «مقالات عرفانی» آورده‌اند. حال آن که به نظر می‌رسد بخش «مقالات ادبی» جای بهتری برای این مقاله‌ها باشد. اینقدر هست که وقتی بخشی هم برای مقالات ادبی در نظر گرفته‌اند، آوردن این مقالات در بخشی دیگر به این معناست که این مقالات «ادبی» نیستند و این محل اشکال است. شاید بهتر می‌بود این هر دو بخش تلفیق شود. خطای دیگری که رخ داده است (البته در مواردی معدود) تغییر عنوان مقالات است که خلاف «ضرورت امانتداری» (ص ۱۵) است؛ مثلاً عنوان مقاله «نقد کتاب تحفة الاخوان» (ص ۶۱۵) در نخستین چاپ آن (در مجله راهنمای کتاب) فقط «تحفة الاخوان» بوده است و «نقد کتاب» را — اگر افزودنش ضروری می‌بود — می‌بایست درون قلاب بیفزایند. در مقدمه می‌خوانیم:

به مقتضای ضرورت امانتداری [...] نگارنده و مصحح محترم کتاب و دیگر همکاران به خود اجازه کمترین تغییری را در متن و نحوه نگارش مقالات نداده‌اند و حتی در مورد رسم الخط هم — جز در مواردی استثنایی — کوشیده‌اند سبک و سیاق معمول استاد را حتی المقدور دست‌نخورده نگاه‌دارند. (ص ۱۵)

باید گفت متأسفانه کوشش ایشان چندان پربار نبوده است. تغییر رسم الخط در بازچاپ مقالات چیز عجیب و بی‌سابقه‌ای نیست و خوانندگان انتظار ندارند رسم الخط، پس از گذشت چند دهه از تألیف مقالات، «دست‌نخورده» بماند. با این همه، دقت و امانتداری گردآورنده شایان تحسین است؛ اما ایشان با

آوردن این جملات، علاوه بر سنگین کردن بار مسئولیت خود و همکاران، مرحوم دکتر خوانساری را نیز مسئول سهوهای احتمالی قرار داده‌اند. برای نمونه، وقتی خواننده می‌بیند در آغاز مقاله «ملاحظات در باب کلیله و دمنه تصحیح استاد مجتبی مینوی» (ص ۴۶۹) کلمه «آنها» یک‌بار به همین صورت و یک سطر پایین‌تر، به صورت «آنها» نوشته شده، ممکن است آن را دلیل بر آشفتگی رسم الخط استاد بداند، که می‌دانیم چنین نبوده و در چاپ اصلی (نشر دانش، سال بیستم، شماره سوم، ص ۴۴) هر دو به یک صورت آمده است.

دیگر عیب حروفچینی کتاب، که دیدنش در این زمانه و در کتاب چنین ناشری مایه تأسف است، آشفتگی عبارات عربی است. در اغلب موارد، حرف تاء مدور با قلمی متفاوت با قلم متن تایپ شده است. در متن بسیاری از مقاله‌ها، نویسنده، آیات و احادیث و امثال یا جملات و عبارات عربی نقل کرده که آنها نیز گاه با حروفی متفاوت آمده‌اند و طرفه‌تر این که حتی آن حروف متفاوت هم یکدست نیست و در صفحات مختلف، عبارات عربی با قلم‌ها و اندازه‌های مختلف به چشم می‌خورد. این خطا گاه حتی در اسامی عربی (اعلام یا عنوان کتاب‌ها) هم رخ داده است. این بدسلیقگی و سهل‌انگاری به هیچ وجه زیبنده مجموعه آثار چنین دانشمندی — که به دقت در این امور زبانزد بود — نیست. غلط‌های مطبعی — به این معنا که کلمه‌ای به جای کلمه دیگر چاپ شده باشد — شاید اندک باشد؛ اما خطاهایی در فاصله‌گذاری (به‌خصوص در مورد دو نوع «به» که یکی با فاصله کامل و دیگری با نیم‌فاصله باید از کلمه مابعد جدا شود) و نیز سهوهای در حرکت‌گذاری عبارات عربی رخ داده است. دیگر آن که، در مقالات مختلف، عنوان کتاب‌ها را یکدست نکرده‌اند؛ یک جا با حروف معمولی متن آورده‌اند (ص ۸۳)، جایی دیگر با حروف ایرانیک (ص ۹۳)، در موضعی دیگر با حروف سیاه (ص ۸۴) و گاه با تلفیق این هر دو شیوه (ص ۱۹۱).^۲

این همه، بویژه از آن روی اهمیت دارد که می‌دانیم دکتر خوانساری برای بی‌غلط و چشم‌نواز چاپ‌شدن مقالات و کتاب‌های خود کوشش بسیار می‌کرد. امید است این مشکلات در چاپ‌های بعدی برطرف شود. به نظر می‌رسد اگر کتاب را از نو (با انتخاب حروف مناسب برای متن و شواهد و با دقت در ریزه‌کاری‌های چاپ) حروفچینی کنند، اقدامی شایسته و نیز

۲. علت این آشفتگی ممکن است اختلاف شیوه حروفچینی مقالات و مجلات و کتابهای مختلف (محل چاپهای نخستین آنها) باشد؛ اما این موارد را هم «مصحح محترم» (ص ۱۵) باید یکدست می‌کردند.

مقرون به صرفه‌تر از اصلاح همین حروفچینی خواهد بود.

اما در اجابت دومین خواسته گردآورنده، مشخصات برخی از مقالات دکتر خوانساری را که در این کتاب نیامده است، تقدیم می‌کنم. پیش از آن اشاره به این نکته ضروری است که گردآورنده بیشتر با اتکا به فهرستی که خود استاد، از بعضی مقالات خود تهیه کرده بودند، سراغ مقالات رفته‌اند و ظاهراً تمام شش جلد کتاب ارجمند استاد ایرج افشار، فهرست مقالات فارسی، و نیز جلد هفتمش را که به همت بنیاد دائرةالمعارف بزرگ اسلامی اخیراً در دو مجلد منتشر شده است، بررسی نکرده‌اند. آگاهی از برخی از این مقاله‌ها با مراجعه به آن کتاب ممکن می‌بود. البته مقالاتی هم هست که موضوع آنها به «ایران‌شناسی» مربوط نبوده و استاد افشار مشخصات آنها را نقل نکرده است. بنابراین، با استفاده از منابع و فهرست‌های دیگر و نیز با استعلام از افراد مطلع، می‌توان مجموعه را کامل‌تر کرد. فهرستی هم که در پی می‌آید بدون استقصای تمام جلدهای کتاب استاد افشار فراهم آمده است و به هیچ وجه ادعا نمی‌کنم که استاد خوانساری جز این مقالات و مقاله‌های موجود در خوانساری‌نامه مقاله‌ای نوشته‌اند. در هر حال، این مقالات را هم ایشان نوشته‌اند:

۱. «این بطوطه»، آموزش و پرورش، دوره بیست و پنجم، شماره ۸ و ۹ (دی و بهمن ۱۳۳۰)، صص ۲۵-۲۹.

۲. «امام احمد غزالی»، آموزش و پرورش، دوره بیست و ششم، شماره ۶ (خرداد ۱۳۳۲)، صص ۳۲۶-۳۲۸ و ۳۶۸.

۳. «انباذقلس»، خردنامه صدر، شماره ۴۴ (تابستان ۱۳۸۵)، صص ۴-۱۸.

۴. «بحثی در قضیه حملی و اجزاء آن»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، سال هفدهم، شماره سوم و چهارم (فروردین ۱۳۴۹)، صص ۲۷۹-۲۹۷.

۵. «برداشتی نو از داستان آفرینش آدم (در «مرصاد العباد» نجم‌الدین رازی)»، پژوهش‌های ایران‌شناسی، جلد بیستم: آفرین‌نامه [یادنامه دکتر محمدمین ریاحی]، به کوشش نادر مطلبی کاشانی، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۸۹؛ صص ۷۲۱-۷۳۹.

۶. «به زلالی آب» [درباره عبدالمحمد آیتی]، کتاب ماه ادبیات و فلسفه، شماره ۱۵ (دی ۱۳۷۷)، صص ۶-۸.

۷. «ترجمه سه اثر مهم از معلم اول»، کتاب ماه ادبیات و فلسفه، شماره ۲۷ (دی ۱۳۷۸)، صص ۲۴-۲۷.

۸. «تسامح در اسلام»، آموزش و پرورش، دوره بیست و چهارم،

شماره ۶ (اسفند ۱۳۲۸)، صص ۱۷-۲۰.

۹. «تکامل اخلاقی»، آموزش و پرورش، دوره بیست و چهارم، شماره ۷ (فروردین ۱۳۲۹)، صص ۱-۶.

۱۰. «تمایلات سرکوفته» (اقسام تمایلات)، آموزش و پرورش، دوره بیست و چهارم، شماره ۹ (خرداد ۱۳۲۹)، صص ۱-۵ و شماره ۱۰ (تیر ۱۳۲۹)، صص ۴۳-۵۰.

۱۱. «چند یادداشت در زمینه مباحث منطقی»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، سال بیست و دوم، شماره دوم [تابستان ۱۳۵۴]، صص ۱۱۸-۱۲۴.

۱۲. «خشم از نظر روانشناسی»، آموزش و پرورش، دوره بیست و پنجم، شماره ۱۰ (اسفند ۱۳۳۰)، صص ۱۵-۱۹ و شماره ۱۱ و ۱۲ (فروردین و اردیبهشت ۱۳۳۱)، صص ۱۷-۲۱.

۱۳. «درگذشت استاد اوستادان مهدوی»، کتاب ماه ادبیات و فلسفه، شماره ۳۵ (شهریور ۱۳۷۹)، صص ۱۸-۲۲.

۱۴. «دین اسلام در برابر شعر و شاعری»، سومین کنگره تحقیقات ایرانی، به کوشش محمد روشن، تهران: بنیاد فرهنگ ایران ۱۳۵۲، جلد اول، صص ۴۹۰-۵۰۳.

۱۵. «سیاست در اخلاق ناصری»، خردنامه صدر، شماره ۴۳ (بهار ۱۳۸۵)، صص ۱۰-۱۳.

۱۶. «شکاکان یونان»، کتاب ماه ادبیات و فلسفه، شماره ۱۱ و ۱۲ (مهر ۱۳۷۷)، صص ۲۴ و ۲۵.

۱۷. «ظاهر داستان در مثنوی مولانا»، جشن نامه ابوالحسن نجفی، به کوشش امید طیب‌زاده، تهران: نیلوفر، ۱۳۹۰؛ صص ۵۱۳-۵۱۹.

۱۸. «کتاب منطق دبیرستان و تصرفات نابجا، با غلطیهای فاحش»، کتاب ماه ادبیات و فلسفه، شماره ۵۴ و ۵۵ (فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۱)، صص ۶۲ و ۶۳.

۱۹. «مقوله ملک یا جده»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، سال چهارم، شماره اول (مهر ۱۳۳۵)، صص ۸۲-۹۰.

۲۰. «وجه امتیاز ذاتی از عرض»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، سال ششم، شماره دوم (دی ۱۳۳۷)، صص ۷۵-۸۰.

افزودن این مقالات و مقالات دیگری که — ان شاء الله — به دست خواهد آمد و البته اصلاح نابسامانی‌هایی که یاد شد، بر ارزش چاپ‌های بعدی خوانساری‌نامه خواهد افزود. نوشته را با آرزوی شادی روان دکتر محمد خوانساری و با احترام به فراهم‌آورندگان این مجموعه به پایان می‌برم. ■

